

ارائه الگوی دولت اسلامی مبتنی بر مدیریت اسلامی و مدیریت دولتی نوین

محمود باقری^۱، افلاطون امیری^{۲*}، یاسر سالاری^۳، آمنه فیروزآبادی^۴

۱. دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران.
- ۲.* (نویسنده مسئول): استادیار گروه مدیریت دولتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران.
۳. استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران.
۴. استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، بردسیر، ایران.

اطلاعات مقاله	چکیده
تاریخچه مقاله تاریخ ارسال : ۱۴۰۲/۴/۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۶/۱۶ (مقاله پژوهشی)	دولت اسلامی مفهوم راهبردی جدیدی در بینش تمدنی رهبر معظم انقلاب اسلامی (مد ظله العالی) است که مدل‌سازی مدوئی در مورد آن صورت نپذیرفته است و نبود پیشینه‌ی قوی در مورد این مفهوم، طراحی الگوی دولت اسلامی را برای حرکت در گام دوم انقلاب و نیل به تمدن نوین اسلامی ضروری نموده است. این پژوهش با هدف ارائه‌ی الگوی دولت اسلامی مبتنی بر مدیریت اسلامی و مدیریت دولتی نوین در ادارات کل استان فارس انجام گرفت. پژوهش حاضر به لحاظ هدف توسعه‌ای- کاربردی و به لحاظ ماهیت پیمایشی است. جامعه‌ی آماری این پژوهش را کارکنان ادارات کل استان فارس به تعداد ۱۳۱۷۱۹ نفر شامل می‌شوند که بر اساس جدول مورگان - جرسی، حجم نمونه‌ای به تعداد ۳۸۴ نفر و به روش تصادفی ساده انتخاب گردید. ابزار گردآوری اطلاعات در این تحقیق، پرسشنامه می‌باشد که روایی صوری و محتوایی آن توسط جمعی از خبرگان، تایید و نسبت روایی محتوایی (CVR) به میزان ۰.۹۷۶ محاسبه گردید. اعتبارسنجی و برازش مدل تحقیق نیز در قالب معادلات ساختاری از روش حداقل مربعات جزئی و نرم افزار SmartPLS-3 سنجش شد. نتایج نشان داد الگوی اندازه‌گیری از اعتبار و برازش مناسبی برخوردار و کیفیت مدل مناسب می‌باشد و بین مدیریت دولتی نوین و دولت اسلامی و مدیریت اسلامی و دولت اسلامی در ادارات کل استان فارس رابطه‌ی معناداری وجود دارد؛ بر این اساس؛ هر دو متغیر مدیریت اسلامی و مدیریت دولتی نوین تبیین‌کننده الگوی دولت اسلامی می‌باشند.
کلیدواژه‌ها: مدیریت؛ مدیریت اسلامی؛ مدیریت دولتی نوین؛ دولت؛ دولت اسلامی	

مقدمه

تمدن نوین اسلامی را می‌توان حاکمیت ارزش‌های اصیل اسلامی در دو ساحت مادی و معنوی جوامع مسلمین برای زمینه‌سازی استقرار حکومت مهدوی دانست. ایجاد دولت اسلامی، مرحله‌ی سوم از نقشه‌ی راه اهداف اسلامی و کلان‌ترین و راهبردی‌ترین سند حکمرانی کشور است که در سیر تکوین تمدن نوین اسلامی، توسط رهبر معظم انقلاب، حضرت امام خامنه‌ای (مد ظله العالی) ترسیم شده است (141-142: Qorbanizadeh et al., 2020). بدون تردید تشکیل دولت اسلامی از اهداف غایی انقلاب اسلامی بوده تا قوانین و احکام دین اسلام اجرا گردد و علاوه بر نظم دادن به امورات جاری مردم، جهت‌گیری جامعه را نیز به سمت کمال و تقرب الهی رهنمون سازد (Sadeghi & Movahhedi, 2023: 199)؛ اما با گذشت بیش از چهل سال از عمر انقلاب و با وجود پیشرفت‌های عظیمی که در طی گام اول انقلاب به دست آمده؛ هنوز به معنای حقیقی شکل نگرفته است و تا زمانی که دولت اسلامی شکل نگیرد، نمی‌توان دو مرحله‌ی بعدی (جامعه‌ی اسلامی و تمدن اسلامی) را با موفقیت پشت سر گذاشت (Najafi Sayyar & Niko, 2020: 196).

در واقع؛ دولت سازی در فرآیند انقلاب اسلامی را می‌توان الگویی بدیع و منحصر به فرد دانست (Mirtorabi, 2017: 36)؛ از دیدگاه امام خامنه‌ای، مفهوم دولت اسلامی به معنای ایجاد ساختارهای دولتی و تشکیلات سازمانی نیست؛ بلکه به معنای تغییر در رفتار، مشی و روش‌های فردی، اجتماعی و مدیریتی مسئولان و کارگزاران حکومتی؛ و جهت‌گیری‌ها و کارکردهای اسلامی دستگاه‌های حکومتی است (Rahmani, 2017: 38). مبتنی بر این دیدگاه، جامعه‌ی اسلامی نیازمند نوعی از مدیریت است که با ارزش‌های انسانی، دینی و مبانی اخلاقی آن، پیوستگی داشته و آرمان‌های اسلامی را مورد توجه و عنایت قرار دهد (Fakhræi et al., 2019: 22). لذا با توجه به برقراری نظام اسلامی در کشور و لزوم مدیریت سازمان‌ها، بحث در مورد مدیریت اسلامی بسیار ضروری است (Masah et al., 2011: 115). چرا که حفظ ارزش‌ها و تحقق اهداف و آرمان‌های متعالی انقلاب اسلامی منوط به استفاده از الگوی مدیریتی است که حرکت در چارچوب ارزش‌های آن را بتواند در سرلوحه‌ی برنامه‌ها و اقدامات خود قرار دهد.

پر واضح است که چنین الگویی نمی‌تواند از مبانی فکری و تمدنی غرب نشأت بگیرد. پس اگر بتوان چنین الگویی که با مشخصه‌های فرهنگ اسلامی - ایرانی همسو، سازگار و هماهنگ باشند، ارائه کرد، در اصل به توسعه‌ی علم اسلامی - ایرانی کمک شده و یکی از خلأهای مهم موجود در فضای کنونی کشور را برطرف خواهد ساخت. از سوی دیگر، حفظ و بقای انقلاب اسلامی ایران که نظامی الهی و ارزش محور است، نیز همانند هر نظام دیگری متکی بر حفظ و استمرار ارزش‌هایی است که براساس آن شکل گرفته است (Mirakhourî et al., 2020: 253-254). اگر این‌ها دچار اختلال شوند، حرکتی که لازم است تا به تشکیل دولت اسلامی بیانجامد، کند و متوقف شده و سبب تأخیر در انجام امور برای رسیدن به هدف خواهد بود (Jalalvand and Jalalvand, 2016: 58-60).

امروزه، حرکت سازمان‌ها به سوی تعالی، شتاب بیشتری گرفته است. این امر مستلزم بازنگری و تغییر چارچوب‌های فکری و به دنبال آن فرآیندهای کاری در تمام ابعاد سازمان است (Qorbanizadeh et al., 2020: 143). همچنین ضرورت برخورد با چالش‌هایی نظیر تغییر تکنولوژی، جهانی شدن، انقلاب اطلاعات و رقابت بین‌المللی، دولت‌ها را ناگزیر از ایجاد تغییراتی عمده در بخش مدیریت دولتی خود کرده است (Najafgholizadeh, 2018).

از دهه‌های ۱۹۷۰ به بعد، الگوی سنتی مدیریت دولتی به خاطر انعطاف‌ناپذیری و گستردگی بخش دولتی، ضعف سازمان‌های دولتی در تأمین انتظارات و نیازهای شهروندان و کاهش اعتماد عمومی مردم به نظام اداری با انتقادهای زیادی مواجه شده است؛ بسیاری از ارزش‌های مردم‌سالاری در الگوی مدیریت دولتی کلاسیک نادیده گرفته شده و دولت‌سالاری جایگزین مردم‌سالاری شده است و نقش بخش‌های بازرگانی و نهادهای مردمی در اداره‌ی امور عمومی مورد غفلت واقع شده است (Hughes, 2003). شواهد تاریخی نشان می‌دهد که پارادایم غالب در تشکیلات مدیریت دولتی ایران نیز، همان پارادایم مدیریت دولتی سنتی است و تمرکزگرایی، سلسله‌مراتب شدید اداری، جانبداری حزبی به موازات گسترش فساد اداری، رانت‌خواری و سیستم تاراج، از مشخصات بارز نظام اداری در برهه‌های مختلف تاریخ کشورداری ایران بوده است (Salarzahi & Ebrahimpoor, 2012: 58-60). این در حالی است که تغییرات شتابان، پیچیده و روزافزون باعث ناکارآمدی سبک‌های سنتی مدیریت سازمان‌ها و حتی دولت‌ها شده است (Dolatshah et al., 2020: 140)؛ همچنین سیر تطور نظام اداری در ایران نشان می‌دهد که روندهای جهانی بر مدیریت دولتی ایران تأثیر گذاشته است. البته نفس موضوع اقتباس از مدل‌های مدیریت غربی در کشور را نباید سرزنش کرد و ورود روندهای علمی و جهانی، طبیعی و پذیرفتنی است؛ ولی بی‌توجهی به شرایط و نامتناسب بودن الگوهای وارداتی با مقتضیات و فرهنگ کشور، مشکل‌آفرین خواهد بود. به نظر می‌رسد ورود الگوی مدیریت دولتی نوین از سال ۱۳۶۸ به کشور که هم اکنون الگوی مسلط در حوزه‌ی اقتصادی و اداری ایران است، فرآیندی متأثر از فشارها و الزامات جهانی بوده و با جامع‌نگری همراه نبوده است و فراهم نبودن بسترهای سیاسی، قانونی، مدیریتی، ساختاری، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در کشور، باعث اجرای بسیار ناکارآمد و تشدید پیامدهای منفی این رویکرد بدون بهره‌مندی از مزایای آن شده است (Mohammadzadeh Sultanmoradi et al., 2019: 19-20).

اصل ۴۴ قانون اساسی و ضرورت احیای کارآفرینی، برنامه‌های هفت‌گانه اصلاح اداری (برنامه‌ی منطقی نمودن اندازه‌ی دولت، اصلاح نظام‌های مدیریتی، اصلاح روش‌ها و ساختارها، تکریم شهروندان و...)، احیای نظام شوراهای محلی و...؛ برآیندی از ارزش‌های مورد قبول در پارادایم‌های مدیریت دولتی نوین و حکمرانی خوب هستند (Salarzahi & Ebrahimpoor, 2012: 58-60)؛ که متعاقب روندهای جهانی از سوی دولت‌ها در برنامه‌های پنج ساله‌ی توسعه و تحول نظام اداری کشور در پیش گرفته شده تا از طریق آن

بخش دولتی ایران را متحول سازند (Mohammadzadeh Sultanmoradi et al.,2019:2-3). بر این اساس؛ بسیاری از نظریه‌پردازان مدیریت دولتی، راه حل خروج از بحران اداره‌ی امور عمومی را گذر از پارادایم مدیریت دولتی کلاسیک به پارادایم مدیریت دولتی نوین دانسته‌اند (Salarzahi & Ebrahimipoor,2012:49).

از این رو به موجب مقاصد عالی و آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران، نظام ج.ا.ایران باید در جهت تحقق دولت اسلامی، با تربیت و بکارگیری مدیران و کارگزاران تراز دولت اسلامی به عنوان سفیران تحول‌گرا، تعالی‌بخش و تمدن‌ساز و اتخاذ شیوه‌های مدیریت اسلامی و بهره‌گیری از شیوه‌های موثر مدیریت دولتی نوین، در گام دوم انقلاب و در افق حرکت تمدنی خود نقش آفرینی نماید (Qorbanizadeh et al., 2020:159). لذا؛ حاکم بودن ارزش‌های اسلامی و معیارهای الهی بر مدیریت، در کنار بهره‌مندی از چارچوب-ها و ساختارهای علمی و مدیریتی تجربه شده در غرب، در مدیریت جامعه‌ی اسلامی مطرح می‌باشد (Tavallaee,2007:56-57). از این رو؛ سؤال اصلی این پژوهش این است که الگوی دولت اسلامی مبتنی بر مدیریت اسلامی و مدیریت دولتی نوین در ادارات کل استان فارس کدام است و اعتبار آن چگونه است؟

مبانی نظری و پیشینه‌ی پژوهش

دولت اسلامی

هر نظام سیاسی، نگاه خاصی به انسان، جهان و عالم هستی دارد و دولت‌ها نیز با توجه به نظام‌های سیاسی مختلف، تمایز می‌یابند. در نتیجه، هر دولتی در چارچوب نظام سیاسی برخاسته از آن، به دنبال تحقق اهداف خود است (Mohammadi Mazraei & ۶۳). Naderi,2018: و به تبع آن نیز، دولت اسلامی مبانی و اهداف خاصی دارد که بر پایه‌ی آموزه‌های اسلام تعریف می‌گردد (Sadeghi & Movahhedi,2023:202). بر این اساس؛ تعریف دولت در نظام سیاسی اسلام نمی‌تواند منفک از جهان بینی اسلامی، معنادار باشد (Khodaparast & Mousavi Kho,2019:47). از طرفی؛ جهت تحقق دین در جامعه و رسیدن به اهداف و آرمان‌های شریعت، تشکیل دولت اسلامی ضرورت می‌یابد؛ این امر مهم، جز با اختیارات حکومت و دولت اسلامی امکان‌پذیر نیست؛ به همین دلیل، ساخت دولت اسلامی اهمیت می‌یابد (Noori,2018:138). یکی از اهداف متعالی انقلاب اسلامی ایران، کوشش در جهت دستیابی به تمدن نوین اسلامی است که بر اساس بیانیه‌ی گام دوم انقلاب، مستلزم طی مراحل و فرآیندهای اساسی است (Najafi Sayyar & Niko Nahad,2020:173). مراحل تکاملی انقلاب اسلامی، تا دستیابی به تمدن نوین اسلامی، از سوی مقام معظم رهبری، حضرت امام خامنه‌ای (مد ظله العالی)، مطابق شکل ۱ تبیین شده است (Meshkani Sabzevari,2013). این فرآیند پنج مرحله‌ای، به عنوان کلان‌ترین و راهبردی‌ترین سند حکمرانی کشور و نقشه‌ی راهبردی نظام جمهوری اسلامی در تحقق اهداف انقلاب اسلامی محسوب شده و تصویر روشنی از نقطه‌ی تمرکزی انقلاب اسلامی در هر مقطع زمانی ارائه می‌دهد (Keshavarz & Arab Asadi,2020:9).



شکل ۱: فرآیند تحقق اهداف اسلامی (Source: Naqi-poorfar & Jafarpour,2011:24).

نقش دولت اسلامی، جایگاهی است که در ایجاد و تحقق تمدن نوین اسلامی دارد که در دیدگاه مقام معظم رهبری، زمینه‌ساز ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی) نیز است (Noori, 2018 :141). دولت‌سازی در دیدگاه معظم‌له، به عنوان یکی از گام‌های اصلی در فرآیند تمدن‌سازی مطرح بوده که پس از تکمیل فرآیند نظام‌سازی اسلامی و مقدمه‌ی جامعه‌سازی اسلامی محقق می‌شود (Mirzapour Eramaki, 2019:99). رهبر معظم انقلاب، با تبیین فرآیند پنج‌گانه‌ی انقلاب اسلامی، بر این نکته تأکید دارند که با پیروزی انقلاب اسلامی و متعاقب آن تشکیل نظام اسلامی، مراحل اول و دوم گام‌های پنج‌گانه‌ی اهداف اسلامی محقق شده است؛ اما به رغم تلاش‌های صورت گرفته، دولت اسلامی به معنای حقیقی محقق نشده است (Mohammadi Mazraei & Naderi, 2018:62).

مقام معظم رهبری، به صورت مکرر به اهمیت و لزوم تشکیل دولت اسلامی به عنوان یک عامل مهم در تحقق تمدن اسلامی تأکید کرده‌اند (Sadeghi & Movahhedi, 2023:199) که: «ما یک نظام اسلامی را طرح‌ریزی و پایه‌گذاری کردیم، اما نمی‌توانیم ادعا کنیم که ما یک دولت اسلامی هستیم؛ ما در مرحله‌ی سوم هستیم و هنوز به کشور اسلامی نرسیده‌ایم» (Khamenei, 2000)؛ و در جای دیگر می‌فرمایند: «اسم ما که دولت اسلامی باشد، کافی نیست؛ باید عمل و جهت‌گیری ما اسلامی باشد» (Khamenei, 2005). از این‌رو، تشکیل دولت اسلامی نیازمند آن است که دستگاه حاکمه در سازماندهی و رفتار خود، به صورت اسلامی عمل کرده و ضمن رعایت شکل اسلامی، در محتوا نیز اسلامی شود؛ اگر این‌ها دچار اختلال شود، حرکتی که لازم است تا به تشکیل دولت اسلامی بیانجامد، کند شده و سبب تأخیر در انجام امور برای رسیدن به هدف خواهد بود (Jalalvand & Jalalvand, 2016:50-60).

مقام معظم رهبری، در خصوص مبانی و مؤلفه‌های دولت، بر اسلامی بودن دولت تأکید دارند و شاخص‌های دولت اسلامی را مشتمل بر شاخص‌های سلامت اعتقادی و اخلاقی، سلامت اقتصادی، خدمت به خلق (با تکیه بر کار جهادی)، قانون‌گرایی، توجه به ظرفیت‌های درونی، حکمت‌گرایی و عدالت می‌دانند و برای دولت اسلامی کارکردهای تربیتی، اقتصادی، امنیتی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی قائل هستند (Noori, 2018 :140-141). ارکان اصلی دولت‌سازی اسلامی نیز به عنوان مرحله‌ی سوم تحقق اهداف انقلاب اسلامی مبتنی بر سه بعد: انسان‌افزار، سخت‌افزار و نرم‌افزار قرار دارد. بعد انسان‌افزار؛ ناظر به حکمرانان طراز انقلاب اسلامی است که منش و کنش آن‌ها مبتنی بر تعالیم دینی و اسلامی بوده و سبک زندگی آنان بر اساس معیارهای اسلامی ساخته شده است. در بخش زیادی از روایت مقام معظم رهبری از دولت اسلامی، رکن کارگزاران و حکمرانان دارای اندیشه، روحیه و عمل اسلامی به عنوان ارکان اصلی دولت‌سازی اسلامی معرفی شده است. معظم‌له برای تحقق تمار عیار حکومت اسلامی، تحقق دولت اسلامی به معنای عناصر مؤمن و معتقد به آرمان‌های انقلاب اسلامی را ضروری می‌دانند. بعد سخت‌افزار ناظر به نهادها و سازمان‌های شکل‌دهنده‌ی دولت اسلامی است که تعیین بیرونی دولت را تشکیل می‌دهند و آنچه از دولت اسلامی به صورت فیزیکی ظهور و بروز می‌کند، ناظر به این بعد است. بر این اساس؛ در برخی از بیانات مقام معظم رهبری، دولت از زاویه‌ی ساختاری مورد توجه قرار گرفته و نهادهای اسلامی به عنوان یکی از ارکان دولت اسلامی معرفی شده است. از این منظر، دولت اسلامی به مثابه‌ی یک تشکیلات مدیریتی مورد توجه قرار گرفته و ایجاد نهادهای مبتنی بر مبانی و اصول اسلامی و تضمین‌کننده‌ی تحقق اهداف انقلاب اسلامی ضرورت پیدا کرده است. یکی دیگر از ابعاد اصلی دولت اسلامی از منظر مقام معظم رهبری، محتوای عمل دولتمردان اسلامی و اهدافی است که آن‌ها دنبال می‌کنند. در این نگاه، علاوه بر شکل‌گیری نهادها و تشکیلات مدیریتی در کشور و تربیت کارگزاران و حکمرانان اسلامی، جزء دیگری تحت عنوان نظام‌های اجرایی حکومت نیز بایستی با معیارها و موازین اسلامی شکل گیرد. در واقع رکن سوم دولت‌سازی اسلامی توجه به بعد نرم‌افزاری دولت و رویه‌ها و آیین‌نامه‌هایی است که چگونگی کنش و اهداف مورد نظر دولتمردان و نهادهای کشور را جهت‌دهی می‌کند (Keshavarz & Arab Asadi, 2020:9). از منظر مقام معظم رهبری، آنچه دولت اسلامی را از سایر دولت‌ها متمایز می‌کند؛ مبانی و جهت‌گیری اسلامی آن است که ریشه در پیوند دین و سیاست در اسلام، ضرورت حیات اجتماعی و لزوم تحقق حیات طیبه برای جامعه‌ی مسلمانان در ابعاد مادی و معنوی دارد (Sadeghi & Movahhedi, 2023). 219: لذا تأکید دارند که دولت اسلامی به عنوان گام سوم از روند تحقق اهداف اسلامی، باید هر چه زودتر محقق شود (Mohammadi Mazraei & Naderi, 2018:62).

مدیریت اسلامی

شیوه های مدیریت و رهبری جوامع گوناگون در گذر زمان، همراه با ارتقاء ساختار، شیوهی زندگی بشر، فرهنگ، هنر و تمدن، تغییرات مختلفی را تجربه نموده است. مدیریت به شکل‌های مختلف و متفاوت در طول تاریخ وجود داشته و به صور گوناگون، زمینه‌ی پایداری و دوام و قوام تمدن‌ها و حکومت‌ها را فراهم ساخته است (Lotfipour et al., 2018:33). مدیریت در میان علوم انسانی رابطه‌ی بسیار نزدیکی با فرهنگ دارد؛ به گونه‌ای که با اندک تأملی می‌توان نقش فرهنگ را در آن مشاهده کرد. به همین دلیل فرهنگ‌های گوناگون، مدیریت‌های متفاوتی را اقتضاء می‌کنند. مدیریت ژاپنی، مدیریت آمریکایی، مدیریت کره‌ای و ... نمونه‌هایی از این قبیل می‌باشند که متناسب با فرهنگ خود شکل گرفته‌اند (Aghapirooz et al., 2013). بعثت پیامبران، ابلاغ وحی و نزول کتب آسمانی و در نوع متکامل آن، دین مبین اسلام نیز؛ در این میان تأثیرات عمیقی بر زندگانی بشر به جای گذاشته و شیوه‌ها، روش‌ها و ارزش‌های مدیریتی را دستخوش تغییراتی مهم نموده است (Lotfipour et al., 2018:34). مدیریت در اسلام نیز به عنوان یک مسئله‌ی بسیار مهم تلقی شده و حضور نامه‌های متعدد از حضرت علی (علیه السلام) به فرماندهان در نهج البلاغه، روایات متعدد از ائمه‌ی اطهار و سیره‌ی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم)، همه حاکی از اهمیت این موضوع است (Masah et al., 2011:115). همچنین؛ نقش مدیر و رهبر نیز به عنوان عامل اصلی ایجاد و ارتقای سطح تعالی و سلامت سازمان و جامعه حائز اهمیت ویژه است (Shaddel et al., 2022:5).

«مدیریت اسلامی عبارت است از: تدبیر امور مربوط به تأمین نیازهای مادی و سعادت حقیقی (معاش و معاد) انسان‌ها و هدایت جامعه از دنیا به سوی آخرت؛ به منظور تقرب به خداوند متعال» (Moqimi, 2015:56). اسلام به عنوان کاملترین دین الهی، نقش سرنوشت‌سازی در تاریخ حیات بشری داراست. در این راستا موضوع مدیریت اسلامی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ چراکه مدیریت از دیدگاه اسلام به عنوان امانت الهی مطرح است و مدیران بایستی به عنوان خلیفه الله به انجام امور بپردازند. از این‌رو، آن چیزی که مدیریت اسلامی را از مدیریت غیراسلامی متمایز می‌سازد، جهت‌دهی مجموعه‌ی اهداف، مأموریت و رسالت اصلی در چارچوب احکام اسلامی و قرب الی الله است که در مدیریت غیراسلامی، هیچگونه التزامی در رابطه‌ی با اجرای قوانین الهی وجود ندارد (Ahmadi, 2011).

به عبارتی؛ هدف اصلی مدیریت در اسلام، انسان و تعالی اوست و لازمه‌ی چنین امری، مکتبی بودن ماهیت آن می‌باشد. از دیگر سو؛ اصول ثابت وحی که مبتنی بر حق‌محوری، آخرت‌گرایی، عدالت‌طلبی و ... است، مبنای مدیریت در اسلام را تشکیل می‌دهند و این خصوصیت متمایز دیگری است که علاوه بر مکتبی بودن ماهیت، می‌توان به آن اشاره کرد (Lotfipour et al., 2018:34). وجه تمایز مدیریت اسلامی از دیگر نظام‌ها، در نظام ارزشی است که نشأت گرفته از جهان‌بینی الهی می‌باشد. این جهان‌بینی، کل جهان هستی را به صورت مجموعه‌ای هماهنگ و هدفدار می‌بیند که سنت‌های ربوبی بر آن حاکم است. در اداره‌ی جامعه‌ی اسلامی، شرافت انسانی مدنظر است و قوای نباتی و حیوانی در واقع، زمینه‌ساز رشد انسانی و کمال معنوی و ابزارهایی برای رسیدن به درجات بلند و سعادت جاودانی است. لذا در تعیین اهداف و خط‌مشی‌های سازمان، باید اصالت را به ارزش‌های معنوی داد؛ به این معنا که اسلامی بودن سازمان اقتضا دارد در حیطه‌ی فعالیت آن، اهداف معنوی و هنجارهای مربوط به آن رعایت شده و نه تنها تأمین منافع مادی موجب پایمال کردن مصالح انسانی نشود، بلکه تا جایی که امکان‌پذیر باشد، تلاش شود منافع مادی در جهت مصالح انسانی و توسعه و تعمیق بینش‌های الهی و ترویج شعائر اسلامی قرار گیرد. در مدیریت اسلامی، نگرش الهی وجود دارد؛ یعنی به انسان با این دید نگریسته می‌شود که وی لایق کرامت انسانی بوده و مستعد رسیدن به قرب الهی و نیل به مقام جانشینی خدا است (Fatemi & Sarami, 2015).

امروزه پیشرفت‌های تکنولوژیکی و محیط‌های پیچیده، سبب شده است تا سازمان‌ها برای حفظ حیات خود، به استفاده صرف محصولات علوم غربی روی بیاورند؛ از طرفی نباید پنداشت که اگر سبکی از مدیریت در کشورهای غربی مطلوب باشد، الزاماً در دیگر

کشورها نیز مفید واقع می‌شود. لذا ضرورت جایگزین کردن مبانی و اصول مدیریت اسلامی به جای مدیریت غربی، از دو جنبه قابل بحث و بررسی می‌باشد: اول آنکه غرب با توجه به سابقه‌ی طولانی انجام مطالعات دقیق و حساب شده و انجام سعی و خطاهای فراوان، توانسته است دانسته‌ها و علوم خود را در حوزه‌ی علم مدیریت به صورت نظام‌مند عرضه کند تا به طور گسترده بتوانند آن را برای دستیابی به اهداف خود بکار گیرند که بر این چارچوب، دو اشکال عمده وارد است: یکی اینکه؛ به انسان نیازهای او تک بعدی نگریسته شده و به تمام جوانب انسانی توجه نشده است. دوم اینکه؛ در مواردی حقایق و واقعیت‌ها مورد تحریف قرار گرفته است. با وجود اینکه علم مدیریت غربی توانسته است برای تئوری‌ها و نظریات خود چارچوب کاربردی بسیار خوبی تعبیه کند، اما با وجود دو اشکال عمده‌ی ذکر شده در آن، تمام خروجی‌های این علم قابل تکیه و اعتماد نمی‌باشد. جنبه دومی که علم مدیریت اسلامی را ضروری می‌سازد، ناکارآمدی مدیریت غربی در به کمال رساندن حکومت اسلامی است (Tavallaee, 2007: 56-57). بنابراین یکی از الزامات مبنایی و اساسی در تحقق دولت اسلامی، داشتن سبک مدیریتی متناسب با نظام اسلامی است (Turkzadeh et al., 2017: 8) که نیازمند نظام مدیریتی کارآمد با کارگزارانی شایسته‌ی تراز دولت اسلامی است، تا بتوان به مقاصد عالی نظام جمهوری اسلامی، جامعه‌ی عمل پوشاند (Qorbanizadeh et al., 2020: 143).

مدیریت دولتی نوین

با افزایش انتقادهای نسبت به پارادایم مدیریت دولتی سنتی، پدیده‌ی مدیریت‌گرایی و نفوذ ارزش‌های مدیریت دولتی نوین در بخش دولتی مورد توجه قرار گرفت و مدیریت دولتی از توجه صرف به مکانیسم‌های دیوان‌سالاری و سلسله‌مراتبی، به مکانیسم‌های بازار، خصوصی‌سازی، برون‌سپاری و مقاطعه‌کاری روی آورد. از این رو نهضت مدیریت دولتی نوین یا مدیریت‌گرایی، جایگزین الگوی سنتی مدیریت دولتی شد (Alwani & Sabbaghi, 2018). دیدگاه‌های اقتصادی که کوچک‌شدن دولت‌ها را باعث رشد و رفاه کلی جامعه می‌دانستند، در ایجاد و شکل‌گیری مدیریت دولتی نوین مؤثر بودند. این دیدگاه‌ها در دو نظریه‌ی انتخاب عمومی و نمایندگی (اصیل - وکیل) متبلور شدند. فرض اصلی نظریه‌ی انتخاب عمومی این است که بوروکرات‌ها و کارگزاران بخش عمومی مانند بسیاری دیگر از مردمان، به جای این که از طریق منافع عمومی برانگیخته شوند، با علائق خودخواهانه انگیزش می‌یابند و در چنین وضعیتی نباید انتظار داشت سازمان دولتی، سازمان کارآمدی برای جامعه باشد؛ مگر آن که ساختاری به وجود آید که مانند بخش خصوصی، منافع فردی و سازمانی را به نحوی با هم تلفیق کند. نظریه‌ی اصیل - وکیل نیز این موضوع را مطرح می‌سازد که باید با ارائه‌ی طرح‌های انگیزشی به‌گونه‌ای عمل شود که مدیران و کارگزاران (وکیل‌ها) در بخش عمومی به نفع عامه‌ی مردم (اصیل‌ها) ایفای نقش کنند و همان شرایط بخش خصوصی، بر بخش دولتی حاکم شود (Alwani, 2005: 4).

اندیشمندان مدیریت بر جنبه‌های دگرگون‌کننده‌ی مدیریت دولتی نوین تأکید کرده‌اند. سونگتاو^۱، اصول مدیریت دولتی نوین را در پنج محور زیر خلاصه می‌کند:

تعریف مجدد وظایف دولت و تفکیک دولت از بنگاه‌ها، متمرکز کردن دولت بر مدیریت کلان اقتصاد ملی و ارائه‌ی خدمات عمومی. ساختاردهی مجدد سازمان‌های دولتی با بهینه کردن ساختار اداری، کوچک‌سازی خدمات عمومی و بهبود کارایی اداره‌ی امور. عقلایی کردن مسئولیت اداره‌ی امور عمومی و کاهش تداخل وظایف در چارچوب پاسخگویی.

هدایت اصلاح اداره‌ی سازمان‌های دولتی براساس وضعیت اقتصاد و توسعه‌ی اجتماعی هر منطقه.

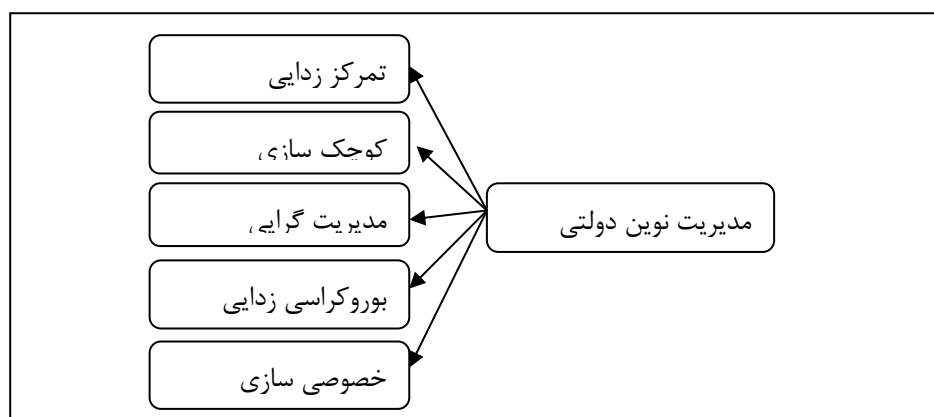
ایجاد چارچوب استاندارد قانونی برای اداره‌ی امور (Songtao, 2004).

هایز و کرنی^۲ نیز اصول مدیریت دولتی نوین را به شرح زیر ارائه نمودند (شکل ۲):

کوچک‌سازی: کاهش اندازه‌ی دولت

1. Songtao
2. Hays & Cerney

مدیریت‌گرایی: بکارگیری اصول مدیریت بازرگانی در دولت
 تمرکززدایی: نزدیک‌تر کردن تصمیم‌گیری به دریافت‌کنندگان خدمات
 بوروکراسی‌زدایی: بازسازی دولت با تأکید بر نتایج به جای فرآیندها.
 خصوصی‌سازی: هدایت تولید کالاها و خدمات به بیرون از مؤسسات دولتی (Danaei Fard & Abbasi, 2008:104).



شکل ۲: اصول مدیریت دولتی نوین (Source: Farjad et al., 2015)

مدیریت دولتی نوین و محورهای اساسی آن، یکی از استراتژی‌های اصلی تحول اداری در ایران به شمار می‌رود و به عنوان استراتژی اصلی در تحول اداری مورد توجه قرار گرفته است و به نگاهی غالب در اداره‌ی امور عمومی تبدیل شده است (Danaei Fard & Abbasi, 2008:105-117). مدیریت دولتی نوین که با نوید اثربخشی، کارایی، بهره‌وری و کوچک‌سازی دولت پا به عرصه‌ی جوامع پیشرفته و در حال توسعه گذاشته بود، با نتایج و پیامدهای متفاوت از آنچه از آن انتظار می‌رفت، مواجه شد و در صحنه عمل تنگناها و محدودیت‌های آن آشکار شد (Alwani, 2005:10). نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد به کارگیری رویکرد مدیریت دولتی نوین به دلیل وجود دو عامل عمده در ایران بسیار ناموفق بوده است: عامل نخست؛ فراهم نبودن شرایط عمومی و اختصاصی لازم است و عامل دوم؛ که البته خود از عامل نخست تأثیر می‌پذیرد، انحراف از اصول محوری آن بوده است (Mohammadzadeh & Sultanmoradi et al., 2019:19-20).

پیشینه‌ی تجربی پژوهش:

مرور پیشینه‌ی تجربی پیرامون موضوع پژوهش، موجب آشنایی با دیدگاه‌ها و روشن شدن خلأ تحقیق و نارسایی‌های مربوط به مسئله‌ی پژوهش می‌شود. خلاصه پژوهش‌های انجام شده پیرامون موضوع در جدول ۱ ارائه شده است:

جدول ۱: پژوهش‌های پیشین مرتبط با موضوع تحقیق

منبع	نتایج/ یافته	عنوان پژوهش
(Turkzadeh et al., 2019)	نتایج نشان داد که زمینه‌های مفهومی استقرار مدیریت اسلامی در سازمان‌های دولتی از سطح کفایت مطلوب بالاتر و دو زمینه‌ی ساختاری و عملکردی استقرار مدیریت اسلامی در سطح حداقل کفایت قابل پذیرش	امکان‌سنجی استقرار مدیریت اسلامی در

منبع	نتایج/ یافته	عنوان پژوهش
	بود. تفاوت معناداری بین زمینه‌های سه گانه مدیریت اسلامی (زمینه مفهومی، ساختاری و عملکردی) وجود دارد. با توجه به نتایج، بسترسازی برای تغییر تدریجی به سمت الگوی مدیریت اسلامی در عرصه‌های سازمانی و مدیریتی کشور و مفهوم سازی مشترک درباره مدیریت اسلامی و فرهنگ سازمانی آن پیشنهاد نموده است.	سازمان‌های دولتی استان فارس
(Sulaiman & et, al.,2014)	یافته‌ها نشان داد مدیران مسلمان در مالزی درک زیادی از شیوه‌های مدیریت اسلامی داشته و آن را در سازمان‌های خود پیاده‌سازی نموده‌اند و با اجرای این شیوه‌ها می‌توان به طور خاص عملکرد کارمندان و عملکرد سازمانی را ارتقاء بخشید.	درک شیوه‌های مدیریت اسلامی در میان مدیران مسلمان مالزی
(Ghahramani & Osmanzade,2019)	یافته‌ها نشان داد در بیمارستان‌ها و مراکز درمانی دولتی استان آذربایجان غربی؛ بین مدیریت اسلامی و شایسته‌سالاری، مدیریت اسلامی ایرانی و پاسخگویی، شایسته‌سالاری و توسعه‌ی منابع انسانی، پاسخگویی و توسعه‌ی منابع انسانی ارتباط مستقیم و مثبت وجود دارد.	رابطه‌ی مدیریت اسلامی ایرانی و توسعه‌ی منابع انسانی با نقش میانجی شایسته‌سالاری و پاسخگویی
(Rezaei Manesh & et al.2015)	نتایج پژوهش نشان داد که بکارگیری اصول مدیریت دولتی نوین در سازمان‌های بخش عمومی (شهرداری رشت)، با ضریب بالایی بر اعتماد سازمانی کارکنان تاثیر دارد.	تاثیر مدیریت دولتی نوین بر اعتماد سازمانی کارکنان ستادی شهرداری رشت
(Mahjoob,2014)	نتایج پژوهش نشان داد که بکارگیری اصول مدیریت دولتی نوین در سازمان‌های بخش عمومی(شهرداری رشت)، تأثیر منفی بر ادراک عدالت سازمانی کارکنان داشته است.	تأثیر مدیریت دولتی نوین بر ادراک عدالت سازمان
(Farjad et al.,2015)	یافته‌ها نشان داد در ایران مدیریت دولتی نوین تأثیر مثبت و معناداری بر مشارکت شهروندان در سیاست‌های عمومی دارد.	تأثیر مدیریت دولتی نوین و مشارکت عمومی شهروندان در سیاست عمومی
(Endeki & Minja,2021)	یافته‌ها نشان داد در بخش دولتی کنیا، بین تقاضای پاسخگویی، رضایت شهروندان و تمرکززدایی خدمات و کارایی در ارائه‌ی خدمات عمومی بخش دولتی، رابطه‌ی همبستگی قوی وجود دارد.	نقش شیوه‌های مدیریت دولتی نوین در ارائه‌ی خدمات در بخش دولتی کنیا
(Rubakula,2014)	یافته‌ها نشان داد در کشورهای آفریقایی علی‌رغم ورود دولت به اجرای سبک‌های مدیریت دولتی نوین، مردم به دولت‌های خود اعتماد ندارند. بر اساس این پژوهش کشورهای آفریقایی، باید رویکرد خود را از مدیریت دولتی نوین به مدیریت ارزش عمومی تغییر دهند.	مدیریت دولتی نوین و چالش‌های آن در آفریقا
(Keshavarz & Arab Asadi,2020)	با استفاده از روش تحلیل مضمون و بر پایه تحلیل محتوای بیانات مقام معظم رهبری، به استخراج ارکان دولت اسلامی و کشف کلیدی‌ترین وجوه مفهوم دولت اسلامی اقدام نموده و چنین نتیجه‌گیری می‌کند که در منظومه‌ی فکری مقام معظم رهبری، دولت اسلامی به معنای اسلامیت سه رکن نهادها،	ارکان دولت اسلامی در منظومه‌ی فکری مقام معظم رهبری

منبع	نتایج/ یافته	عنوان پژوهش
	نظام‌ها و کارگزاران است و بر پایه‌ی این عناصر به تعریفی استنتاجی از دیدگاه ایشان در زمینه‌ی دولت اسلامی دست یافته است.	
(Mohammadi Mazraei & Naderi,2018)	بر اساس نتایج یافته‌ها، سلامت اعتقادی، اخلاقی و رفتار اسلامی کارگزاران و نهادها را سنجه و تراز دولت اسلامی معرفی شده است.	ماهیت و ارکان دولت اسلامی در دیدگاه امام خامنه‌ای
(Sadeghi & Movahhedi,2023)	یافته‌های این پژوهش نشان داد که از منظر مقام معظم رهبری، مبانی دولت بر اسلامی بودن دولت تاکید دارد که سه رکن اسلام سیاسی، ضرورت زندگی اجتماعی و تحقق حیات طیبیه را شامل می‌شود. همچنین شکل‌گیری دولت اسلامی در سایه‌ی شاخص‌هایی نظیر جهت‌گیری ارزشی- اعتقادی، حفظ هویت اسلامی، پابندی به موازین مردم‌سالاری دینی، خدمت‌گزاری، عدالت- محوری، قانون‌گرایی، علم‌محوری، خردگرایی، ظلم‌ستیزی و سلامت اقتصادی با الگوگیری از دولت نبوی و علوی تحقق می‌یابد.	مبانی و شاخص‌های دولت اسلامی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای
(Mehri,2016)	یافته‌ها نشان داد سلامت اعتقادی و اخلاقی مسئولان و خدمت به مردم، شرایط علی درونی و حکمت و خردگرایی در سیاست بین‌المللی به عنوان شرایط علی بیرونی و قانون‌گرایی و سلامت اقتصادی به عنوان شرایط مداخله‌گر و تکیه بر ظرفیت درون‌زای کشور و عدالت‌گستری پیامدهای دولت اسلامی می‌باشند.	دولت اسلامی بر اساس بیانات مقام معظم رهبری: روش نظریه‌ی داده بنیاد
(Noori,2018)	ایشان با استفاده از روش تحقیق کیفی (تحلیل اسنادی) به بررسی موضوع پرداخته است. یافته‌های تحقیق نشان داد دولت اسلامی در دیدگاه آیه‌الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) به معنای مجموعه‌ی کارگزاران، قوا و نهادهایی است که در اداره‌ی کشور نقش دارند. این دولت، ماهیتی کاملاً دینی (اسلامی) دارد و با الگوگیری از دولت نبوی و علوی و متناسب با شرایط امروز شکل می‌گیرد و دارای ویژگی‌ها، شاخص‌ها و وظایف مهمی است که باید از عهده‌ی آن‌ها برآید؛ در غیر این صورت با چالش‌های جدی روبرو خواهد شد. هدف نهایی دولت اسلامی نیز توسعه‌ی معرفه‌الله و رستگاری انسان‌ها است.	ماهیت دولت اسلامی در اندیشه‌ی سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای
(Rahmani,2017)	محقق براساس اندیشه‌های رهبر معظم انقلاب، نتیجه‌گیری می‌کند که امنیت مهم‌ترین نیاز کشور و همه‌ی جوامع بوده و برای نیروهای مسلح در نظام اسلامی در تحقق دولت اسلامی، نقش قائل شده است.	نقش و جایگاه نیروهای مسلح در تحقق دولت اسلامی مبتنی بر منظومه‌ی فکری امام خامنه‌ای
(Bagheri,2019)	براساس یافته‌ها، بین اثرگذاری کارمندان بسیجی و ارتقاء عمل انقلابی دستگاه‌های دولتی و تحقق دولت اسلامی در ادارات مرکز فارس، رابطه‌ی معناداری وجود دارد. همچنین بعد اثرگذاری سازمانی کارمندان بسیجی بیشترین میانگین و بعد اجتماعی اثرگذاری کارمندان بسیجی، کمترین میانگین رتبه را از نظر تأثیر بر ارتقاء عمل انقلابی دستگاه‌های دولتی داشته‌اند.	بررسی راه‌کارهای اثرگذاری کارمندان بسیجی بر ارتقاء عمل انقلابی دستگاه‌های دولتی در جهت تحقق دولت اسلامی مطلوب

روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق از نظر هدف، توسعه‌ای - کاربردی و به لحاظ روش، توصیفی و در زمره‌ی تحقیقات پیمایشی است. جامعه‌ی آماری این تحقیق را، کارکنان ادارات کل استان فارس به تعداد ۱۳۱۷۱۹ شامل می‌شوند که از این تعداد بر اساس جدول مورگان - جرسی و به روش تصادفی ساده، حجم نمونه‌ای به تعداد ۳۸۴ نفر انتخاب گردید. همچنین در فرآیند طراحی و تایید مدل از ۱۷ نفر از خبرگان آگاه به موضوع به روش دلفی نظرخواهی شد.

ابزار سنجش در این تحقیق، پرسشنامه‌ی محقق ساخته می‌باشد که از سه بخش کلی تشکیل شده است: بخش اول؛ شامل ۲۶ گویه برای سنجش مدیریت دولتی نوین و بخش دوم؛ شامل ۳۶ گویه برای سنجش مدیریت اسلامی و بخش سوم؛ شامل ۳۷ گویه به منظور سنجش دولت اسلامی. در نهایت پرسشنامه ۹۹ گویه‌ای طراحی و پس از تایید خبرگان، مبنای کار پژوهش قرار گرفت. برای طراحی پرسشنامه‌ی تحقیق، ابتدا مؤلفه‌ها از متون علمی و مبانی نظری استخراج و در گام بعد، مؤلفه‌ها بر اساس نظر خبرگان در ابعاد مناسب جانمایی شد. سپس شاخص‌های متناظر با مؤلفه‌ها بر اساس مبانی نظری تدوین و طی چند مرحله از خبرگان در مورد آن‌ها نظرخواهی شد. در ادامه، پرسشنامه نهایی طراحی و در بین ۳۸۴ نفر از کارکنان ادارات کل استان فارس توزیع گردید و پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS ویراست ۲۵ و Smart PLS ویراست ۳، تجزیه و تحلیل داده‌ها انجام و نتایج استخراج گردید. در این پژوهش، برای تعیین اعتبار مدل اندازه‌گیری هر یک از ابعاد پرسشنامه از روش تحلیل عاملی (پایایی سازه) و برای تعیین همسانی درونی ابزار از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. روایی صوری و محتوایی ابزار از طریق مراجعه به خبرگان و محاسبه نسبت روایی محتوایی (CVR) و برای سنجش روایی سازه نیز از روش تحلیل عاملی تاییدی استفاده شد. همچنین نتایج تحلیل عاملی به روش معادلات ساختاری محاسبه شد.

نتایج و بحث

سؤال اول: ابعاد و مؤلفه‌های مدل دولت اسلامی مبتنی بر مدیریت اسلامی و مدیریت دولتی نوین کدام اند؟ برای طراحی مدل دولت اسلامی مبتنی بر مدیریت اسلامی و مدیریت دولتی نوین، ابتدا از طریق مطالعات کتابخانه‌ای (مراجعه به اسناد، مدارک مکتوب و سایت‌های اینترنتی و ...) ابعاد و مؤلفه‌های هر متغیر شناسایی شد و با استفاده از روش دلفی کلاسیک و طی چند مرحله، از ۱۷ نفر از خبرگان آگاه به موضوع (شامل اساتید حوزه و دانشگاه و مدیران اجرایی) در خصوص تناسب ابعاد و مؤلفه‌های هر متغیر نظرخواهی و پس از اصلاحات لازم و اجماع در مورد نظرات، پرسشنامه‌ی نهایی طراحی و مبنای تحقیق قرار گرفت. سپس نسبت اعتبار محتوا (CVR)؛ یا روایی محتوایی پرسشنامه از طریق فرمول زیر محاسبه شد:

$$CVR = \frac{n_e - \frac{N}{2}}{\frac{N}{2}}$$

که در آن N بیانگر کل خبرگان پاسخ دهنده، n_e تعداد خبرگانی است که ماده (آیتم) مورد نظر را تأیید نموده‌اند. مقدار CVR بین -۱ و +۱ در نوسان است؛ هرچه مقدار CVR به یک نزدیکتر باشد، نشان دهنده‌ی این است که تعداد بیشتری از پاسخ دهندگان ماده را مناسب تشخیص داده‌اند. بنابراین بر اساس نتایج جدول ۲، نسبت اعتبار محتوایی پرسشنامه خبرگان در حد مطلوبی (۰.۹۷۶) تایید گردید.

جدول ۲: نسبت اعتبار محتوایی (CVR) پرسشنامه خبرگان

متغیر	تعدادگویه	نسبت اعتبار محتوایی
مدیریت دولتی نوین	۲۶-۱	۰.۹۴۳
مدیریت اسلامی	۶۲-۲۷	۰.۹۷۷
دولت اسلامی	۹۹-۶۳	۱.۰۰۰
کل	۹۹-۱	۰.۹۷۶

در ادامه برای اتقان کار، سوالات پرسشنامه نمره گذاری و میانگین نظرات خبرگان به وسیله آزمون t با مقدار نظری (۳/۰۰) مقایسه شد. چنانچه میانگین نمره‌ی خبرگان به ابعاد و مؤلفه‌های پیشنهادی، بیشتر از مقدار نظری (۳/۰۰) باشد، ابعاد و مؤلفه‌ها در مدل باقی خواهند ماند. بنابراین بر اساس نتایج جداول ۳، ۴ و ۵؛ تمامی ابعاد و مؤلفه‌های متغیرهای تحقیق بدلیل میانگین بیشتر از عدد ثابت ۳، تأیید و در مدل تثبیت شدند.

جدول ۳: نتایج پرسشنامه متغیر مدیریت دولتی نوین از دیدگاه خبرگان

ابعاد	مؤلفه‌ها	میانگین	آماره t	معنی داری	نتیجه
کوچک سازی	کنترل و کاهش هزینه‌ها	3.7500	2.566	.021۰	تأیید
	تعدیل نیروی انسانی	4.0588	4.763	.000۰	تأیید
	مهندسی فرآیندهای کار	4.4688	9.502	.000۰	تأیید
مدیریت گرای	تاکید بر ارزیابی عملکرد	4.5000	11.662	.000۰	تأیید
	بکارگیری فناوری‌های پیشرفته	4.6765	14.842	.000۰	تأیید
	تاکید بر کارآفرینی	4.5588	11.566	.000۰	تأیید
تمرکز زدایی	مشارکت	4.6176	12.919	.000۰	تأیید
	آزادی عمل	4.4063	7.425	.000۰	تأیید
	تفویض اختیار	4.4375	8.777	.000۰	تأیید
بوروکراسی زدایی	نتیجه‌گرایی	4.5000	12.369	.000۰	تأیید
	مقررات زدایی	4.6667	13.229	.000۰	تأیید
خصوصی سازی	پیمان‌سپاری	4.2647	7.347	.000۰	تأیید
	رقابت‌گرایی	4.2353	6.424	.000۰	تأیید

جدول ۴: نتایج پرسشنامه متغیر مدیریت اسلامی از دیدگاه خبرگان

نتیجه	معنی داری	آماره t	میانگین	مؤلفه	بعد
تایید	.000۰	11.024	4.5294	عدالت محوری و عدالت گستری	ارزشی - نگرشی
تایید	.000۰	18.194	4.7647	دینداری و خدامحوری	
تایید	.000۰	16.164	4.7059	آرمانگرایی واقع بینانه	
تایید	.000۰	17.507	4.7813	ولایت مداری و ولایت محوری	
تایید	.000۰	19.134	4.8235	بصیرت دینی و انقلابی	
تایید	.000۰	18.000	4.8529	اخلاق مداری و تقووامحوری	رفتاری - عملکردی
تایید	.000۰	16.892	4.8438	شجاعت و قاطعیت	
تایید	.000۰	21.424	4.8235	ساده زیستی و قناعت	
تایید	.000۰	14.765	4.6176	پیشگامی و خطرپذیری	
تایید	.000۰	17.146	4.7500	تکلیف گرایی	
تایید	.000۰	20.771	4.7941	قانون مداری و ضابطه مندی	
تایید	.000۰	22.274	4.8529	مردم داری و مردم یاری	
تایید	.001۰	4.160	4.0882	مسئولیت پذیری و پاسخگویی	ویژگی های مدیریتی
تایید	.000۰	6.462	4.5294	کار تیمی و گروهی	
تایید	.000۰	12.976	4.6471	برنامه ریزی و تدبیر امور	
تایید	.000۰	16.704	4.6563	مدیریت زمان و منابع	
تایید	.000۰	14.976	4.7059	تخصص گرایی متعهدانه	
تایید	.000۰	11.491	4.5625	کار جهادی	

جدول ۵: نتایج پرسشنامه متغیر دولت اسلامی از دیدگاه خبرگان

نتیجه	معنی داری	آماره t	میانگین	مؤلفه	بعد
تایید	.000۰	16.364	4.7353	رفتار فردی (خودسازی)	الزامات رفتاری (روش و منش اسلامی دولتمردان)
تایید	.000۰	15.171	4.7353	رفتار اجتماعی (جامعه سازی)	
تایید	.000۰	19.365	4.6667	رفتار مدیریتی (تمدن سازی)	
تایید	.000۰	16.745	4.6875	دولت دینی	

بعد	مولفه	میانگین	آماره t	معنی داری	نتیجه
الزامات ساختاری (جهت گیری ها و کارکردهای اسلامی)	دولت عدالت محور	4.7500	12.780	.000۰	تایید
	دولت فساد ستیز	4.7813	19.589	.000۰	تایید
	دولت مردم سالار	4.8667	20.546	.000۰	تایید
	دولت کارآمد	4.5750	12.600	.000۰	تایید
	دولت کارآفرین	4.5417	11.089	.000۰	تایید
الزامات زمینه ای و محیطی (زمینه سازی ظهور)	استکبار ستیزی و دفاع از مظلومان جهان	4.8235	23.913	.000۰	تایید
	پیشرفت جهانی با حفظ ارزشها	4.6250	10.987	.000۰	تایید
	فراگیر شدن فرهنگ اسلامی	4.7813	17.507	.000۰	تایید
	اقتدار همه جانبه	4.5294	9.719	.000۰	تایید
	ائتلاف اسلامی در عرصه بین الملل	4.7500	15.652	.000۰	تایید

سؤال دوم: اعتبار مدل دولت اسلامی مبتنی بر مدیریت اسلامی و مدیریت دولتی نوین در ادارات کل استان فارس چگونه است؟ برای پاسخ به این سؤال، با استفاده از رویکرد مدل سازی معادلات ساختاری به بررسی اعتبار الگوی پیشنهادی پژوهش پرداخته شد. ابتدا روایی و پایایی سازه اندازه گیری شد؛ برای سنجش روایی سازه، از روش تحلیل عاملی استفاده شد. قبل از تحلیل عاملی، برای اطمینان از اعتبار داده ها و بررسی صحت نمونه گیری، از معیار کایزر، میجر، الکین (KMO) استفاده شد. این روش ضریب همبستگی داده ها را محاسبه می کند؛ مقدار KMO بین صفر و یک متغیر است و داده ها برای تحلیل مناسب باید حداقل ۰.۶ باشند و هر چقدر KMO بزرگ تر باشد، داده ها برای تحلیل مناسب تر هستند. آزمون بارتلت نیز نشان می دهد که متغیرها با هم رابطه ی معناداری دارند و در صورت تایید رابطه ی بین متغیرها، نتایج تحلیل عاملی قابل اعتماد می باشد. بنابراین بر اساس نتایج جدول ۵، معیار KMO برای کیفیت نمونه گیری در این تحقیق برابر با ۰.۶۱۸ و بیانگر این است که داده های مورد نظر برای نمونه گیری مناسب می باشند. بر اساس نتایج آزمون بارتلت در جدول ۶ نیز، ارتباط معناداری بین متغیرها وجود دارد (sig=0.000)؛ که شرایط لازم ($p < 0.05$) برای انجام تحلیل عاملی و سنجش روایی سازه برقرار است.

جدول ۶: آزمون اعتبار داده ها و صحت نمونه گیری و همبستگی سازه ها

معیار کایزر- مایر- الکین (KMO)		0.618
آزمون کرویت بارتلت	کای دو (chi-square)	۴۴۳.۱۷۶
	درجه آزادی (df)	۳
	سطح معناداری (sig)	۰.۰۰۰

به طور معمول، از روش آلفای کرونباخ برای سنجش پایایی پرسشنامه ها استفاده می شود. مطابق این روش، ابزار سنجش زمانی از پایایی مناسب برخوردار خواهد بود که ضریب آلفای کرونباخ بزرگتر یا مساوی ۰.۷ باشد؛ بنابراین بر اساس نتایج جدول ۷، ابزار سنجش در این پژوهش از پایایی مطلوبی (۰.۹۷۲) برخوردار می باشد.

جدول ۷: سنجش پایایی (سازگاری درونی پرسشنامه)

متغیر	تعداد گویه	ضریب آلفای کرونباخ
مدیریت دولتی نوین	۲۶	۰.۹۲۷
مدیریت اسلامی	۳۶	۰.۹۴۸
دولت اسلامی	۳۷	۰.۹۶۰
کل سؤالات	۹۹	۰.۹۷۲

نوع دیگری از پایایی، پایایی سازه ۱ می‌باشد که در مدل‌سازی معادلات ساختاری پس از برازش مدل می‌توان آن را اندازه‌گیری کرد. پایایی سازه بر اساس پایایی ترکیبی^۲ (CR) و متوسط واریانس استخراج‌شده (AVE) محاسبه می‌گردد. در صورتی که مقادیر پایایی ترکیبی، بالاتر از (۰.۶ یا ۰.۷) و مقادیر متوسط واریانس استخراج‌شده، بالاتر از (۰.۵) باشد، پایایی سازه متغیرهای مدل مفهومی تایید می‌گردد. بنابراین براساس توضیحات فوق و نتایج جدول ۸، پایایی سازه متغیرها و ابعاد مدل مفهومی پژوهش در حد مطلوبی تایید شد.

جدول ۸: پایایی سازه متغیرهای پژوهش

متغیرها	ابعاد	آلفای کرونباخ	پایایی مرکب (CR)	متوسط واریانس استخراج شده (AVE)
مدیریت دولتی نوین	کوچک سازی	۰.۷۰۷	0.820	0.534
	مدیریت گرای	۰.۸۷۷	0.907	0.620
	تمرکز زدایی	۰.۸۴۷	0.887	0.568
	بوروکراسی زدایی	۰.۸۳۶	0.890	0.670
	خصوصی سازی	۰.۶۰۹	0.794	0.567
مدیریت اسلامی	ارزشی-نگرشی	۰.۸۸۶	0.910	0.560
	رفتاری- عملکردی	۰.۹۴۰	0.948	0.567
	ویژگی‌های مدیریتی	۰.۸۷۷	0.903	0.515
دولت اسلامی	الزامات رفتاری	۰.۸۶۳	0.892	0.509
	الزامات ساختاری	۰.۹۴۹	0.955	0.571
	الزامات زمینه ای	۰.۹۵۱	0.958	0.675

از طرفی، معیارهای قابل قبول برای تأیید الگوی نظری تدوین شده، استفاده از شاخص‌های نیکویی برازش را می‌طلبد؛ هرچه مقدار این شاخص‌ها افزایش می‌یابد، نشانه‌ای از حمایت قوی‌تر داده‌ها از الگوی نظری است. از سوی دیگر، در بررسی کیفیت مدل ساختاری، معیار اساسی ارزیابی متغیرهای درون‌زا در مدل ساختاری پژوهش، ضریب تعیین (Q2) است. این شاخص نشان دهنده کیفیت مدل ساختاری پژوهش است. در این پژوهش، کیفیت مدل ساختاری و برازش الگوی پرسشنامه، بر اساس شاخص‌های افزونگی و اشتراکی اعتبارسنجی متقاطع انجام شد، بر اساس نتایج جدول ۹، ۱۰ و ۱۱ چون همه‌ی ضرایب مثبت می‌باشند؛ بنابراین الگوی اندازه‌گیری از برازش مناسبی برخوردار و کیفیت مدل مناسب می‌باشد.

1. Construct Reliability
2. Composite Reliability

جدول ۹: بررسی کیفیت مدیریت دولتی نوین بر اساس شاخص افزونگی و اشتراکی

متغیر	ابعاد	شاخص افزونگی اعتبارسنجی متقاطع	شاخص اشتراکی اعتبارسنجی متقاطع
مدیریت دولتی نوین	کوچک‌سازی	۰.۲۳۴	۰.۲۴۲
	مدیریت‌گرایی	۰.۴۴۴	۰.۴۵۷
	تمرکززدایی	۰.۳۸۷	۰.۳۹۲
	بوروکراسی‌زدایی	۰.۳۶۸	۰.۴۳۴
	خصوصی‌سازی	۰.۲۵۷	۰.۱۹۲

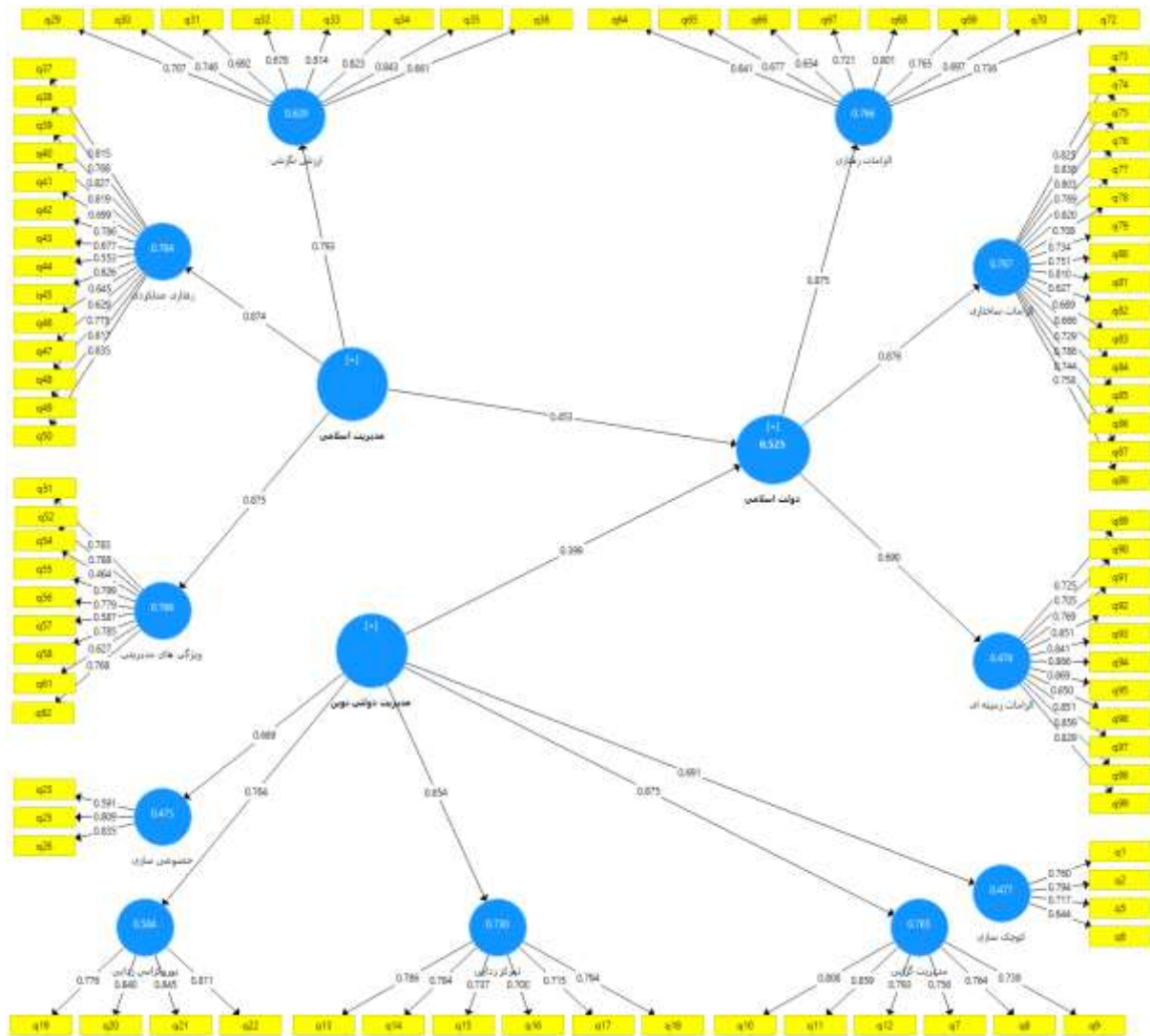
جدول ۱۰: بررسی کیفیت متغیر مدیریت اسلامی بر اساس شاخص افزونگی و اشتراکی

متغیر	ابعاد	شاخص افزونگی اعتبارسنجی متقاطع	شاخص اشتراکی اعتبارسنجی متقاطع
مدیریت اسلامی	ارزشی - نگرشی	۰.۳۱۹	۰.۴۲۰
	رفتاری - عملکردی	۰.۳۹۴	۰.۴۷۳
	ویژگی‌های مدیریتی	۰.۳۶۳	۰.۳۸۷

جدول ۱۱: بررسی کیفیت متغیر دولت اسلامی بر اساس شاخص افزونگی و اشتراکی

متغیر	ابعاد	شاخص افزونگی اعتبارسنجی متقاطع	شاخص اشتراکی اعتبارسنجی متقاطع
دولت اسلامی	الزامات رفتاری	۰.۳۵۷	۰.۳۷۰
	الزامات ساختاری	۰.۴۰۶	۰.۴۸۹
	الزامات زمینه‌ای	۰.۲۹۸	۰.۵۸۳

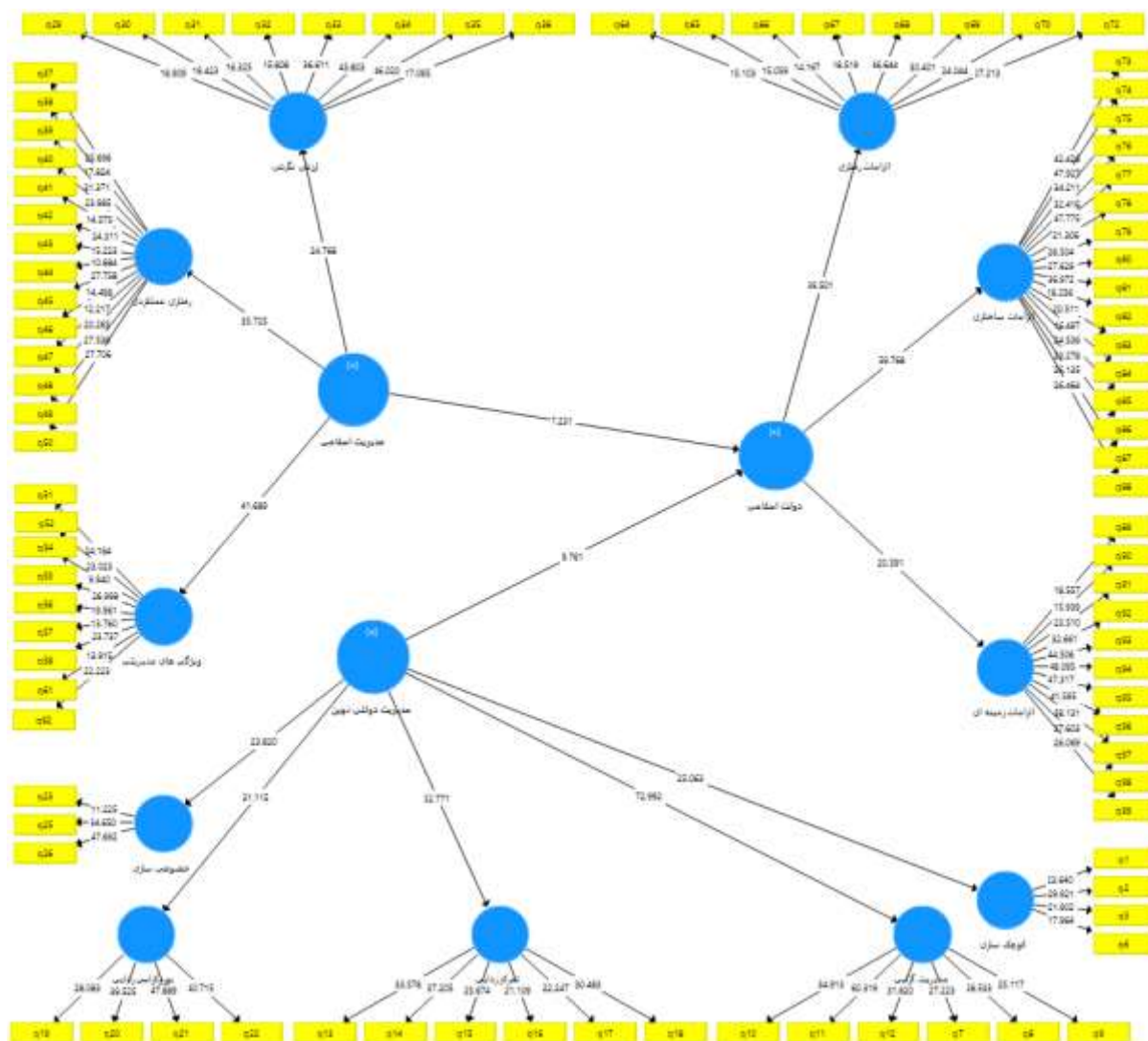
در این تحقیق، ابزار اندازه‌گیری شامل ۳ متغیر، ۱۱ بُعد، ۴۵ مؤلفه و ۹۹ گویه می‌باشد که پس از بررسی پایایی، روایی و کیفیت مدل، با استفاده از نرم افزار PLS-3، آزمون‌های الگوی اندازه‌گیری و ساختاری ترسیم گردید. آزمون الگوی اندازه‌گیری مربوط به بررسی روایی ابزارهای اندازه‌گیری بوده و آزمون الگوی ساختاری مربوط به آزمون فرضیات تحقیق و بررسی اثر متغیرهای پنهان بر یکدیگر است. پس از اجرای مدل در نرم افزار، بررسی ضرایب مسیر از طریق آزمون مدل اندازه‌گیری انجام و مطابق شکل ۳ ارائه گردید. ضریب مسیر بیان‌کننده وجود رابطه‌ی علی خطی و شدت و جهت این رابطه بین دو متغیر مکنون می‌باشد و مقدار آن بین -۱ و +۱ متغیر است. بر اساس نتایج جدول ۱۲ و ضرایب مسیر نمایه شده در شکل ۳، رابطه‌ی علی خطی بین مدیریت دولتی نوین و دولت اسلامی به میزان ۰.۳۹۹ و بین مدیریت اسلامی و دولت اسلامی به میزان ۰.۴۵۳ تعیین و روایی ابزارهای اندازه‌گیری تایید گردید.



شکل ۳: مدل اندازه گیری پژوهش (ضرایب مسیر)

سؤال سوم: آیا بین متغیرهای مستقل مدیریت اسلامی و مدیریت دولتی نوین با متغیر وابسته دولت اسلامی در ادارات کل استان فارس رابطه‌ی معناداری وجود دارد؟

در تحلیل مسیر، بارهای عاملی تمامی شاخص‌ها بررسی و شاخص‌های دارای بار عاملی کمتر از ۰/۶ از مدل حذف گردید که در نتیجه‌ی آن؛ سوالات ۳، ۴ و ۲۴ از متغیر مدیریت دولتی نوین و سوالات ۲۷، ۲۸، ۵۳، ۵۹ و ۶۰ از متغیر مدیریت اسلامی و سوالات ۶۳ و ۷۱ از متغیر دولت اسلامی بدلیل بارهای عاملی پایین و غیر قابل استناد، از روند تحلیل کنار گذاشته شدند. بنابراین؛ از ۹۹ شاخص، تعداد ۱۰ شاخص و از ۴۵ مؤلفه، تعداد ۳ مؤلفه شامل: مؤلفه‌ی «تعدیل نیروی انسانی» از بعد «کوچک‌سازی» متغیر «مدیریت دولتی نوین»؛ مؤلفه‌ی «عدالت‌محوری و عدالت‌گستری» از بعد «ارزشی - نگرشی» متغیر «مدیریت اسلامی»؛ و مؤلفه‌ی «تخصص‌گرایی متعهدانه» از بعد «ویژگی‌های مدیریتی» متغیر «مدیریت اسلامی» به دلیل بار عاملی پایین، از مدل حذف گردیدند و جمعاً ۱۱ بعد، ۴۲ مؤلفه و ۸۹ شاخص ملاک پژوهش قرار گرفت. همچنین، بررسی معناداری بارهای عاملی از طریق آزمون مدل ساختاری انجام و مطابق شکل ۴ ارائه گردید:



شکل ۴: مدل ساختاری پژوهش (معناداری بارهای عاملی)

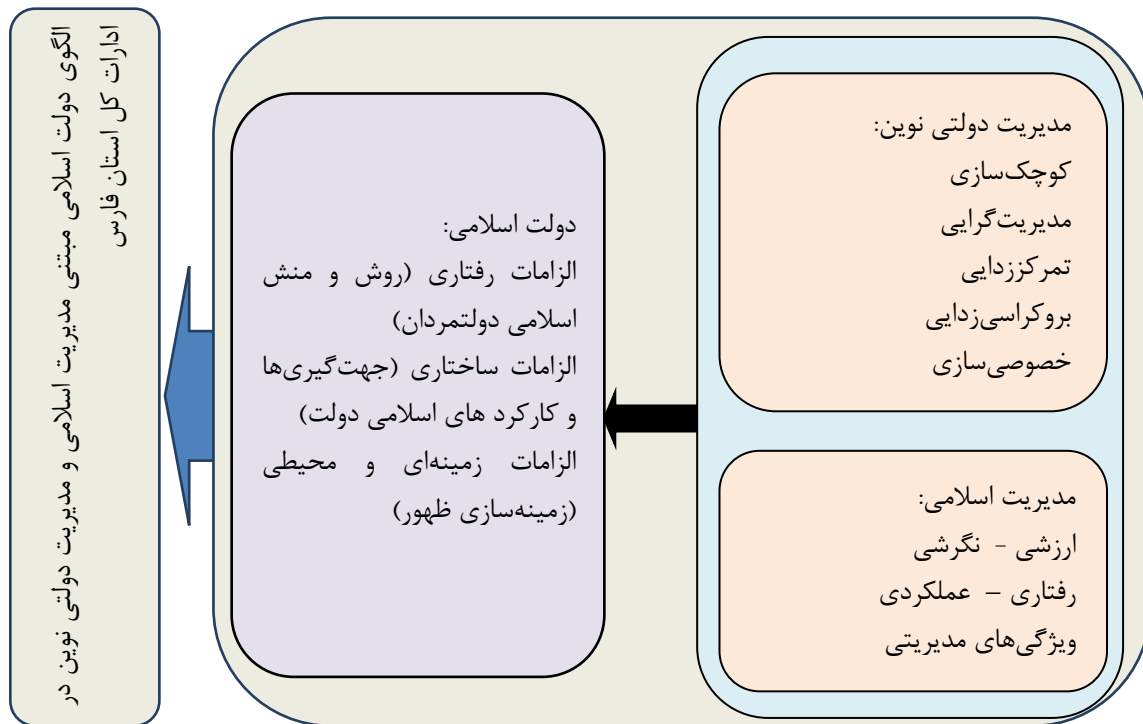
جهت بررسی معنادار بودن سازه‌ها از آماره‌ی t value استفاده شد. بدین ترتیب که در سطح خطای 0.05 ؛ اگر میزان بارهای عاملی مشاهده شده، از مقدار 1.96 کوچک‌تر باشد، بار عاملی مشاهده شده، معنادار نیست و اگر از مقدار 1.96 بزرگتر باشد، معنادار است. بر اساس نتایج جدول ۱۲ و معناداری بارهای عاملی نمایه شده در شکل شماره ۴، بدلیل آماره t بالای 1.96 و سطح معناداری کمتر از 0.05 ، وجود رابطه/تأثیر متغیرهای تحقیق به صورت معناداری تایید گردید؛

جدول ۱۲: نتایج بررسی رابطه/تأثیر متغیرهای تحقیق

نتیجه	سطح معناداری P value	آماره T value	ضرایب مسیر	بررسی رابطه/تأثیر متغیرها
تایید	۰.۰۰۰	۹.۷۶۱	۰.۳۹۹	مدیریت دولتی نوین- دولت اسلامی
تایید	۰.۰۰۰	۷.۲۳۱	۰.۴۵۳	مدیریت اسلامی- دولت اسلامی

مدل نهایی پژوهش:

در این پژوهش، متغیرهای مدیریت دولتی نوین و مدیریت اسلامی به عنوان متغیر مستقل (پیش‌بین) و متغیر دولت اسلامی به عنوان متغیر وابسته (ملاک) در نظر گرفته شد و با مطالعه و بررسی روابط سازه‌های تحقیق که به کمک پیشینه‌ی نظری تحقیق و نظر خبرگان صورت گرفت، مدل نهایی تحقیق در قالب شکل ۵ ارائه گردید:



شکل ۵: مدل نهایی پژوهش

این پژوهش در راستای افق راهبردی اهداف انقلاب اسلامی و جهت‌گیری خط سیر نظام اسلامی در تحقق تمدن نوین اسلامی و به منظور مشارکت در تولید محتوای علمی حوزه‌ی علوم انسانی اسلامی و با هدف ارائه‌ی مدل دولت اسلامی مبتنی بر مدیریت اسلامی و مدیریت دولتی نوین در ادارات کل استان فارس انجام گرفت؛ سهم اصلی و نوآورانه این تحقیق، ارائه‌ی یک مدل جدید برای کاربرد در سازمان‌ها و دستگاه‌های اجرایی است که نتایج بدست آمده در مطالعات گذشته یافت نشد. طراحی چنین مدلی بدلیل جدید بودن موضوع راهبردی دولت اسلامی و نوآوری در بررسی متغیرهای مدیریت اسلامی و مدیریت دولتی نوین در ارتباط با دولت اسلامی، می‌تواند از یک سو به گسترش ادبیات موجود منجر شود و از سوی دیگر، از نتایج یافته‌های آن در سطوح مختلف نظام اداری کشور برای حل مسائل موجود استفاده شود.

بر اساس نتایج جداول ۷ و ۸، ابزارهای اندازه‌گیری از پایایی مطلوبی برخوردار بوده و مطابق جداول ۹، ۱۰ و ۱۱، که برازش الگوی نظری تدوین شده، بر اساس شاخص‌های افزونگی و اشتراکی اعتبارسنجی متقاطع انجام شد، به دلیل مثبت بودن همه‌ی ضرایب، الگوی اندازه‌گیری از برازش مناسبی برخوردار و کیفیت و اعتبار مدل مناسب ارزیابی گردید؛ همچنین؛ بر اساس نتایج جدول ۱۲ نیز، بدلیل آماره t بالای ۱.۹۶ و سطح معنی داری کمتر از ۰.۰۵، فرضیه‌های تحقیق تایید گردید و رابطه‌ی مثبت و معنی داری بین مدیریت دولتی نوین و دولت اسلامی و مدیریت اسلامی و دولت اسلامی یافت شد. این بدین معنی است که در این تحقیق، متغیرهای مستقل مدیریت دولتی نوین و مدیریت اسلامی، به طور مثبت و معناداری تبیین‌کننده متغیر وابسته‌ی دولت اسلامی در ادارات کل استان فارس می‌باشند. به عبارت دیگر؛ سبک مدیریت اسلامی با ابعاد ارزشی - نگرشی، رفتاری عملکردی و ویژگی‌های مدیریتی آن، لازمه و تحقق بخش الزامات دولت اسلامی در ابعاد رفتاری، ساختاری و زمینه‌ای است؛ چرا که از دیدگاه مقام معظم رهبری، مبتنی بر بسترهای غیربومی و سکولار نمی‌توان ایده‌های اسلامی را به طور کامل اجرا کرد و کارآمدی مطلوب را در کلیه‌ی

عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی محقق نمود؛ بلکه تحقق کارآمدی نظام اسلامی تنها در یک زیرساخت اسلامی - ایرانی میسر خواهد بود و دولت اسلامی باید ثابت کند که قوانین و برنامه‌های اسلام برای کشورداری کارآمد است. «دولتی که در آن رشوه نباشد، فساد اداری نباشد، ویژه‌خواری نباشد، کم‌کاری نباشد، بی‌اعتنایی به مردم نباشد، میل به اشرافی‌گری نباشد، حیف و میل بیت‌المال نباشد و دیگر چیزهایی که در یک دولت اسلامی لازم است». از سوی دیگر، ضرورت برخورد با چالش‌هایی نظیر تغییر تکنولوژی، جهانی شدن، انقلاب اطلاعات و رقابت بین‌المللی، دولت‌ها را ناگزیر از ایجاد تغییراتی عمده در بخش مدیریت دولتی خود کرده است؛ از این‌رو، دولت اسلامی برای کارآمدی و اثربخشی باید با بومی‌سازی اصول مدیریت دولتی نوین شامل ابعاد: کوچک‌سازی، مدیریت‌گرایی، تمرکززدایی، بوروکراسی‌زدایی و خصوصی‌سازی و ایجاد پیش‌نیازهایی چون بسترهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی از قبیل یک بخش خصوصی واقعی و مردمی، بازارهای پولی و مالی شکل یافته و نظام حقوقی و قانونی شفاف و تفصیلی و بکارگیری صحیح خط مشی‌های یاد شده و تقویت نقش نظارتی خود، از مزایای آن در جهت رشد و رفاه کلی جامعه بهره گرفته و از الگوبرداری و تقلید کورکورانه آن توسط مدیران دولتی و صرفاً به منظور هم‌اندیشی با پارادایم غالب، خودداری نماید. نظریه‌ی مردم‌سالاری دینی، اقتصاد مقاومتی، اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قانون شوراهای اسلامی، شوراها حل اختلاف، هفت برنامه تحول اداری و موضوعات مطروحه در برنامه‌های پنج‌ساله دولت‌ها نیز دلیلی بر این مدعاست. از این‌رو، تحقق دولت اسلامی نیازمند آن است که دستگاه حاکمه اعم از قوای سه‌گانه و تمام کارگزاران نظام اسلامی، در سازماندهی و رفتار خود، به صورت اسلامی عمل کرده و ضمن رعایت شکل اسلامی، در محتوا نیز اسلامی شوند و علاوه بر جهت‌گیری رفتار فردی، رفتار اجتماعی و روابط خود با مردم و ملل دیگر را نیز با معیارهای اسلامی منطبق نمایند و در تمدن‌سازی نوین اسلامی نقش‌آفرینی نمایند.

قبلاً در تحقیقات پیشین نیز، بین مدیریت دولتی نوین و اعتماد سازمانی (Rezaei Manesh & et al. 2015)؛ بین مدیریت دولتی نوین و ادراک عدالت سازمانی (Mahjoob, 2014)؛ بین مدیریت دولتی نوین و مشارکت عمومی شهروندان در سیاست عمومی (Farjad et al., 2015)؛ بین شیوه‌های مدیریت دولتی نوین و ارائه‌ی خدمات در بخش عمومی کنیا (Endeki & Minja, 2021) رابطه‌ی مثبت و معناداری یافت شد؛ این نتایج با نتایج تحقیق (Rubakula, 2014)؛ تطابق ندارد؛ روباکولا بیان می‌دارد اجرای مدیریت دولتی نوین در کشورهای آفریقایی با چالش‌هایی مواجه بوده و پیشنهاد نموده این کشورها برای عبور از چالش‌های مدیریت دولتی نوین، باید رویکرد مدیریت ارزش‌های عمومی را جایگزین آن نمایند. همچنین در تحقیقات پیشین، بین مدیریت اسلامی ایرانی و توسعه‌ی منابع انسانی و شایسته‌سالاری و پاسخگویی (Ghahramani & Osmanzade, 2019)، بین درک شیوه‌های مدیریت اسلامی در بین مدیران مسلمان مالزی و عملکرد کارکنان و عملکرد سازمانی (Sulaiman & et, al., 2014) رابطه‌ی مثبت و معناداری یافت شد. در خصوص ارتباط مدیریت دولتی نوین با دولت اسلامی و ارتباط بین مدیریت اسلامی و دولت اسلامی در داخل و خارج تحقیقی یافت نشد و تحقیقات محدودی به صورت توصیفی و مروری در خصوص دولت اسلامی بر اساس منظومه‌ی فکری مقام معظم رهبری توسط (Mohammadi Mazraei & Naderi, 2018)، (Rahmani, 2017) و (Mehri, 2016) انجام شده است. (Bagheri, 2019) در تحقیقی میدانی در ادارات کل استان فارس، به بررسی راهکارهای اثرگذاری کارمندان بسیجی بر ارتقاء عمل انقلابی دستگاه‌های دولتی در راستای تحقق دولت اسلامی مطلوب پرداخته و براساس یافته‌ها، نتیجه‌گیری نموده که بین اثرگذاری کارمندان بسیجی و ارتقاء عمل انقلابی دستگاه‌های دولتی و تحقق دولت اسلامی در ادارات مرکز فارس، رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

نتیجه‌گیری کلی

مسئله‌ی مهم در منظومه‌ی فکری مقام معظم رهبری این است که دولت اسلامی یک غایت نیست؛ بلکه خود وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف دیگر است. ایشان دولت اسلامی را گام سوم از مراحل پنجگانه رسیدن به تمدن نوین اسلامی بیان می‌کنند که در این حالت، انقلاب اسلامی مراحل تکامل خود را طی خواهد کرد و به اهداف متعالیه‌ی خود خواهد رسید. در واقع با تشکیل دولت اسلامی، فضا و بستر عادلانه‌ای جهت رشد انسان‌ها و رسیدنشان به کمال مهیا می‌شود؛ چنین دولتی که به وظایف خود واقف است و آنرا انجام می‌دهد، می‌تواند الگوی دیگران نیز قرار گیرد و زمینه ساز تشکیل دولت عدالت گستر مهدوی باشد و انقلاب اسلامی را به غایت خود برسانند.

مدیریت اسلامی نیز واجد خصوصیات و ویژگی‌هایی است که می‌تواند در موفقیت سازمان‌ها نقش اساسی ایفا نماید؛ این ویژگی‌ها در بطن دستورها، توصیه‌ها، نظرها و شیوه‌های قرآنی به کار گرفته شده توسط پیشوایان دین حضور و وجود عینی داشته است، ولی برای استفاده از آن در سطوح سازمانی و کاربردی کردن آن‌ها در سازمان‌ها، نیاز به کار پیش‌گامانه و دور از هراس و خود کم‌بینی صاحب‌نظران و عالمان مدیریت و تحقیق پژوهش مستمر می‌باشد و هنوز بسترهای زمینه‌ای و پنداره‌ای و ساختارهای سازمانی مطلوب برای پیاده سازی این رویکرد، شکل نگرفته است.

بررسی ادبیات تحقیق نشان داد با وجود جامع بودن آموزه‌های اسلامی؛ یک چارچوب، نظریه یا مدل جامع در مورد مطالعه‌ی مدیریت دولتی اسلامی شکل نگرفته و مطالعات میدانی محدودی برای بررسی عملکرد مدیریت اسلامی در سازمان‌های دولتی ایران انجام شده است؛ لذا با توجه به شکاف موجود، لزوم طراحی مدل دولت اسلامی را برای حرکت در گام دوم انقلاب، بیش از پیش ضرورت بخشید. در واقع؛ یکی از ارکان اصلی در تشکیل دولت اسلامی، قوه‌ی مجریه‌ای در اندازه و قواره‌ی آن است. این رکن، عمدتاً امور اجرایی کشور را برعهده دارد؛ لذا انتظار می‌رود ادارات کل، در سلسله مراتب نظام اداری کشور، ضمن بکارگیری صحیح و مناسب الزام‌ها، روش‌ها و شیوه‌های مدیریت اسلامی و به کارگیری صحیح و مناسب اصول مدیریت دولتی نوین و ایجاد زمینه‌های بستر ساز آن، به تحقق دولت اسلامی کمک نمایند؛ چرا که ادارات کل در نظام اداری کشور، به مثابه‌ی سازمان تنظیم‌کننده‌ی کلیه‌ی فعالیت‌ها برای نیل به هدف‌های تعیین شده حاکمیت هستند که ضمن ایجاد هماهنگی بین بخش‌های مختلف، بستر مناسبی را برای حل مسائل و مشکلات مردم و حسن جریان امور عمومی فراهم می‌کنند. به عبارت دیگر؛ مأموریت ادارات کل، مدیریت نظام اداری مبتنی بر ارزش‌ها، اصول و سیاست‌های کلی نظام است. ادارات کل استان فارس نیز در سلسله مراتب نظام اداری کشور، از این قاعده مستثنی نیست.

به لحاظ کاربردی، سیاست‌گذاران و مدیران سازمان‌های دولتی می‌توانند از نتایج این تحقیق به عنوان یک نقشه‌ی راه برای تحقق دولت اسلامی استفاده کنند. همچنین محققین آینده می‌توانند یک مطالعه‌ی مقایسه‌ای بین یافته‌های این پژوهش و مدل دولت اسلامی در ادارات کل سایر استان‌ها انجام دهند و به دنبال توسعه‌ی معیارهای عملکردی باشند.

منابع

- Agapirooz. A. Khedmati. A.T. Shafiei. A. and Behsteinijad. S. M. 2013. Management in Islam, Field Research and University, Qom, first edition. (In Persian).
- Ahmadi. M. ۲۰۱۱. Islamic management. Tehran. Cultural studies .Press. (In Persian).
- Alwani. S.M. 2005. The bottlenecks of modern government management. Peyke Noor, 3:3, 2-10. (In Persian).
- Alwani. S. M. and Sabbaghi. M. 2018. Discourse analysis of Iran's public administration in the field of education. Scientific-Research Quarterly of Government Organizations Management, 6:3, Summer 2018, 99-114. (In Persian).
- Bagheri. M. 2019. Examining the effective strategies of Basiji employees on promoting the revolutionary action of government institutions in order to realize the desired Islamic state; The study of the general offices of the center of Fars. Research project of the Deputy of Knowledge and Research of Fajr Fars Corps, Shiraz, 201۹. (In Persian).
- Danai Fard. H. and Abbasi. T. 2008. Administrative reforms in Iran: an analysis of government miniaturization. Bimonthly scientific-research journal of Daneshvar Behavior, Shahid University, June 2008, 15:29, 102-121. (In Persian).
- Dolatshah. A., Ghorban Hosseini. M., Amini Asbagh. Z. and Sadeh. E. 2020. The effect of modern public administration on organizational citizenship behavior regarding the mediating role of organizational trust, Occupational and Organizational Consulting Quarterly, 12:42, 139-160. (In Persian).
- .Endeki. D.N. and Minja. D. 2021. Role of new public management practices in service delivery in the public sector: case of the state department of public works - Kenya. International Academic Journal of Arts and Humanities, 1(2), 188-209.
- Fakhraci. M., Ahmadi. K., Ahmadi. A. and Zandi. F. 2019. Factors creating revolutionary management in the organization from the point of view of the Supreme Leader (Mod. Zelah Al-Ali). The Scientific-Research Quarterly of the Islamic Revolution Research Journal, 9:31, summer 2019, 21-46. (In Persian).
- Farjad. H.R., Daneshfard. K., Mazaheri. M.M., and Shirvani. A. 2015. Relationship of New Public Management (NPM) and Citizens Public Participation on Public Policy in Iran. European Online Journal of Natural and Social Sciences, 4(1 (s)), 247.

- Fatemi. M., and Saremi. H. 2015. Islamic management-Punishment and reward management practice in speech and manner of imam ali, *SCI-int*, 2611-2616.
- Ghahramani. M. and Osmanzadeh. B. 2019. The relationship between Iranian Islamic management and human resources development with the mediating role of meritocracy and accountability: a case study of public hospitals and medical centers in West Azarbaijan province. *Healthcare Management Quarterly*, 10:3, 2019. (In Persian).
- Ghorbani-zadeh. V., Bisheh. M. and Jahanbin. F. 2020. Competencies of level agents of the Islamic State of Iran with the approach of modern Islamic civilization. *Scientific research quarterly of national defense strategic management studies*, 4:15, autumn 2020, 137-166. (In Persian).
- Hughes. O. E. 2003. *Public Management and Administration: An Introduction*. Third Edition, Published by PalgraveMacmilan.
- Jalalvand. M. and Jalalvand. B. 2016. The basics of commanding fire by choice in Imam Khamenei's intellectual system, *Andishe Velayat specialized scientific quarterly*, 2:4, autumn and winter 2016, 41-63. (In Persian).
- Keshavarz. M. and Arab Asadi. H. 2020. The pillars of the Islamic state in the intellectual system of the Supreme Leader. The second national Islamic governance conference, November 20th, 2020, Tehran. (In Persian).
- Khamenei. S. A. 2000. Statements in Friday prayer sermons in Tehran, May12,2000, accessible at: <https://www.khamenei.ir>.
- Khamenei. S. A. 2005. Statements in the meeting between the President and members of the government delegation, taken on August 30, 2005, from the website: <https://www.khamenei.ir>.
- Khodaparast. Y. and Mousavi Kho. S. Mohammad. 2019. The foundations of the Islamic state in the Islamic-Iranian model of progress from Imam Khamenei's point of view. *Transcendental Politics Scientific Research Quarterly*, 7: 27, winter 2019, 41-64. (In Persian).
- Lotfipour. S., Rangriz. H. and Sadeghi. M. 2018. An applied study of management in Islam with the West in the field of management process. *Journal of Development and Transformation Management*, special issue, 2018, 33-45. (In Persian).
- Mahjoub. A. 2014. The effect of modern public administration on the perception of organizational justice. Student thesis, Faculty of Management and Accounting, Allameh Tabatabai University. Retrieved from <https://www.virascience.com/thesis/789725>. (In Persian).
- Masah. H., Arizi. H., Nouri. A. and Gol-Parvar. M. 2011. Construction and psychometrics of Islamic management scale. *Biannual scientific-research journal of Islamic and psychological studies*, 5:9, Autumn and winter 2011, 105-130. (In Persian).
- Mehri. K. 2016. The Islamic State based on the statements of the Supreme Leader: the method of data-based theorizing, *two-quarterly scientific journal of political science*, 12:2, autumn and winter 2016, serial 24, 31-58. (In Persian).
- Meshkani Sabzevari. A. 2013. The nature and place of lifestyle in the evolutionary process of the Islamic Revolution from the perspective of the Supreme Leader, *Marfat Magazine*, No. 185, 65-83. (In Persian).
- Mirakhori. A., Ahmadi. K., Seyed Naghavi, M. and Salvati. A. 2020. Islamic-Iranian-based value management model in Iran's public sector. *Scientific research quarterly of national defense strategic management studies*, 4: 15, autumn 2020, 252-288. (In Persian).
- Mirtorabi. S.S. ۲۰۱۷. Analyzing the ways and dimensions of institution building in the process of building the state after the revolution from the perspective of historical institutionalism. *Quarterly Journal of Government Research*, 3:9, 1-43. (In Persian).
- Mirzapour Aramaki. A. 2019. Presenting the Islamic-Iranian state-building model with an emphasis on the experience of Islamic governance. *Scientific Research Quarterly of Transcendent Politics*, 7:27, winter 20189, 87-108. (In Persian).
- Moghimi. M. ۲۰۱۵. *Principles and Foundations of Management from the Perspective of Islam*. Tehran: Rahdan Publications. (In Persian)
- Mohammadi Mazraei. Kh. and Naderi. M. 2018. The nature and pillars of the Islamic state in Imam Khamenei's view, *Scientific Research Quarterly of the Approach to the Islamic Revolution*, 12:61, 61-88. (In Persian).
- Mohammadzadeh Sultanmoradi. H., Fayzi. T., Gramipour. M. and Yadollahi. M. 2019. Explanation and pathology of the current model of public administration in Iran. *Public Administration Quarterly*, Vol. 11, No 1, 1-26. (In Persian).
- Najafgholizadeh. M. 2018. The impact of managerial changes on the effectiveness of organizations, *National Conference of New and Creative Thoughts in Management, Accounting, Legal and Social Studies*, 1st term, 2018. (In Persian).
- Najafi Sayyar. R. and Niko nahad. A. 2020. Desirable governance indicators of the level of the Islamic revolution, with the statement of the second step, *scientific quarterly of interdisciplinary studies of strategic knowledge*, 10:41, winter 2020, 173-200. (In Persian).

- Naghi-Poorfar. V.A. and Jaafarpour. M. 2011. Factors affecting the formulation of the Islamic-Iranian model of progress in the field of organizational studies, Basij Strategic Studies Quarterly, 14: 53, winter 2011. 23-49. (In Persian).
- Noori. A. .2018. The nature of the Islamic state in the political thought of Aya Khameneullah. Islamic Government Quarterly, 23: 4, winter 2018, serial 90, 135-164. (In Persian).
- Rahmani. M.A. 2017. The role and position of the army forces in the realization of the Islamic state based on the intellectual system of Imam Khamenei (mod. Zelah Al-Ali). Islamic Insight and Education Quarterly, 14:40, spring 2017, 37-64. (In Persian).
- Rezaei Menesh. B., Asghari Aghdam. B., Mahjoub. A. and Mohammadi. M. 2015. The impact of modern public administration on the organizational trust of staff of Rasht Municipality. State Management Mission Quarterly, 6:19 &20, autumn and winter 2015, 1-14. (In Persian).
- Rubakula. G. 2014. The New Public Management and its Challenges in Africa. Public Policy and Administration Research, Vol.4, No.4, 2014.
- Sadeghi. E. and Movahhedi. S. 2023. The foundations and indicators of the Islamic state from the perspective of Ayatollah Khamenei. Government Research Quarterly, 9:33, spring 2023, 195-222. (In Persian).
- Salarzehi. H. and Ebrahimpoor. H. ۲۰۱۲. Reviewing the course of evolution in public management paradigms: from the traditional public management paradigm to the good governance paradigm, Public Administration Quarterly, 4:9, Spring 2012, 43-62. (In Persian).
- Shaddel. A., Taslimi. M.S. and Lessani Fesharaki. M.A. 2022. Prerequisites of Commanding and Forbidding in Organizational Culture Based on the Holy Quran. Public Organizations Management, 10:2, 143-154. (In Persian).
- Songtao. Xu.2004. China's Public Administration Reform: New Approaches, www.Worldbank.Org.
- Sulaiman. M., Abdul Sabian. N.A. and Othman. A.K. 2014. The Understanding of Islamic Management Practices among Muslim Managers in Malaysia".
- Tavallaei. R. 2007. A model for understanding Islamic management. Police human development bimonthly, 4:11, June and July 2007, 53-71. (In Persian).
- Turkzadeh. J., Amiri Tayebi. M. and Mohammadi. Gh. 2017. Compilation of Jihadi management model based on the statements of the supreme leader (mod. Zelah al-Ali). Basij Strategic Studies Quarterly, 20:75, summer 2017, 5-30. (In Persian).
- Turkzadeh. J., Gholami. Gh. and Mazghinjad. S. 2019. Feasibility of establishing Islamic management in government organizations of Fars province. Bi-Quarterly Scientific-Specialist Journal of Islam and Management, 8:15, spring and summer 2019, 27-49. (In Persian).

Presenting the model of Islamic government based on Islamic management and modern government management

Abstract

The Islamic State is a new strategic concept in the civilizational vision of the Supreme Leader of the Islamic Revolution (Mod Zaleh Al-Ali), which has not been documented and the lack of a strong background regarding this concept, the design of the model of the Islamic State to move in the second step. Revolution and achievement of new Islamic civilization is necessary. This research was conducted with the aim of presenting the model of Islamic government based on Islamic management and modern government management in the general administrations of Fars province. The current research is developmental-applicative in terms of purpose and survey in terms of nature. The statistical population of this research includes 131,719 employees of the general offices of Fars province, based on the Morgan-Jersey table, a sample size of 384 people was selected by simple random method. The tool for collecting information in this research is a questionnaire whose face and content validity was confirmed by a group of experts and the content validity ratio (CVR) was calculated as 0.976. . Validation and fit of the research model was also measured in the form of structural equations using partial least squares method and SmartPLS-3 software. The results showed that the measurement model has good validity and fit, and the quality of the model is good, and there is a significant relationship between modern public administration and Islamic government and Islamic administration and Islamic government in the general administrations of Fars province; according to this; Both variables of Islamic management and modern public administration explain the model of the Islamic state.

Keywords: Management; Islamic management; New government management; Government; Islamic State